

**بیت اول « خروشید و جوشید و بر کند**

**خاک ز سُمّش زمین شد همه، چاک چاک**

رخش شیهه کشید و خشمگین شد و به

نشانه یورش سم خود را بر زمین کوبید به

گونه ای که زمین زیر پایش کنده شد.

**بیت دوم « بزد تیغ و بینداخت از بر،**

**سرش فرو ریخت چون رود، خون از برش**

رستم با ضربه شمشیر سر اژدها را از تنش

جدا کرد و خون مانند رود از تن او جاری

شد.

**بیت سوم « بینداخت چون باد، خَمّ کمند**

**سر جادو آورد ناگه به بند**

رستم کمند را با سرعت به سمت جادوگر

انداخت و او را اسیر کرد.

**بیت چهارم « میانش به خنجر به دو نیم  
کرد دل جاروان زو پر از بیم کرد .**

رستم با خنجر جادوگر را نصف کرد و با این  
کار خود دل جادوگران دیگر را پر از وحشت  
کرد

**بیت پنجم « چو رستم بدیدش بر انگیخت  
اسب بدو تاخت مانند آذر گُشسب**

هنگامی که رستم او (ارژنگ دیو) را دید با  
اسبش مانند آتش جهنده، تند و سریع به  
سوی او حمله کرد.

**بیت ششم « سر و گوش بگرفت و یالش  
دلیر سر از تن بکندش به کردار شیر**

رستم شجاعانه سر و گوش و یال ارژنگ  
دیو را گرفت و مانند شیر با شجاعت سرش  
را از تنش جدا کرد .

**بیت هفتم « ز بهر نیایش، سر و تن  
بشست یکی پاک جای پرستش بجست**  
برای عبادت سر و تن خود را شست و به  
دنبال جایی پاک و تمیز برای راز و نیاز  
گشت .

**بیت هشتم « از آن پس نهاد از بر خاک،  
سر چنین گفت : کای داورِ دادگر !**  
سپس سر بر خاک سجده گذاشت و گفت  
ای پروردگار عادل!

**بیت نهم « ز هر بد، تویی بندگان را پناه  
تو دادی مرا، گردی و دستگاه**  
در برابر هر بدی و آسیبی تو برای بندگان  
پناه هستی و تو هستی که به من پهلوانی  
و شکوه و عظمت دادی .